

• چاپ کنید

تاریخ انتشار: ۶ شهریور ۱۳۸۸

گزارش «فتوای مرگبار» در مورد خاوران

مرکز اسناد حقوق بشر ایران (IHRDC) روز پنج‌شنبه ۲۷ ماه اوت گزارشی در مورد کشتار مخالفان جمهوری اسلامی که در تابستان ۱۹۸۸ روی داد منتشر کرد.

این گزارش که «فتوای مرگبار: کشتار ۱۹۸۸ ایران» نام دارد بر پایه مصاحبه‌های این مرکز با بازماندگان و بستگان قربانیان آن کشتار تنظیم شده‌است.

اعدام زندانیان سیاسی در تابستان ۱۳۶۷ توسط مأموران جمهوری اسلامی واقع‌ای بود که طی آن عده بسیاری از زندانیان سیاسی ایران در ماه‌های مرداد و شهریور ۱۳۶۷ اعدام شدند. به طور کلی جرم زندانیان همکاری با سازمان‌های مخالف جمهوری اسلامی بود.

بیشتر اعدام‌شدگان زندان‌های تهران در واقعه تابستان ۶۷ در گورهای دسته‌جمعی گورستان خاوران در جنوب شرقی تهران به خاک سپرده‌شدند.

شمار دقیق قبرها و جنازه‌های مدفون شده در خاوران مشخص نیست، اما گفته می‌شود که در این گورستان بیش از پنج هزار نفر دفن شده‌اند.

گزارش امروز مرکز اسناد حقوق بشر ایران در این باره می‌نویسد که این کشتارها بر پایه فتوای آیت‌الله خمینی انجام شد و ادامه می‌دهد: «از بازجویی‌های زندانیان هوادار احزاب چپ امروز ۲۱ سال می‌گذرد. گرچه شمار دقیق قربانیان مشخص نیست ولی هزاران زندانی طی تنها چند ماه شکنجه و اعدام شدند.

در میان اعدامیان زندانیانی بودند که دوره زندانی خود را گذرانده بودند ولی از باورهای سیاسی خود برنگشته بودند. دیگر اعدام‌شدگان شامل افرادی می‌شد که هنوز دوره محکومیت خود را می‌گذراندند، کسانی که مدت‌ها بدون اتهام در بازداشت بودند و افرادی که آزاد و دوباره بازداشت شده‌بودند.»

این گزارش می‌افزاید:

«حکومت ایران هرگز کسانی را که مخفیانه اعدام و شکنجه شدند شناسایی نکرد و هرگز توضیحی برای این جنایت اعلام نکرده‌است. با این حال بسیاری از کسانی که مسئول این کشتار بودند همچنان به کار خود در مناصب قدرت در حکومت ایران ادامه می‌دهند.»

«بسیاری از کسانی که مسئول این کشتار بودند همچنان به کار خود در مناصب قدرت در حکومت ایران ادامه می‌دهند»

نسخه انگلیسی این گزارش در تارنمای مرکز اسناد حقوق بشر ایران موجود است. نسخه فارسی آن در پاییز امسال قابل دسترسی خواهد بود.

مرکز اسناد حقوق بشر ایران یک

سازمان غیر دولتی مستقر در نیو هیون در ایالت کانتیکت آمریکاست. این مرکز در سال ۲۰۰۴ از سوی جمعی از دانشگاهیان، فعالان و تاریخ‌دانان بنیاد شد. گروهی از وکلا و پژوهشگران حقوق بشر از اعضای این مرکز هستند.

- آخرین مطالب
- کشته‌های بسیج بیشتر از مخالفین است
- «انتقال به کهریزک با حکم قضایی بود»
- «نقش مقام‌ها در سرکوب‌ها مشخص شود»
- کشتی حامل سلاح به ایران توقیف شد
- «ایران با آژانس همکاری کامل نمی‌کند»
- «کاهش غنی‌سازی اورانیوم از سوی ایران»
- برگزیده سرمقاله‌های روزنامه‌های صبح
- تیتیر مطالب و گفتگوهای روزنامه‌های صبح
- درخواست خاتمی برای رسیدگی به جنایات احمدی‌نژاد: شکنجه‌ها کار دشمن است

موضوعات

- آسیای میانه
- آسیا
- آفریقا
- آمریکا
- ادبیات
- اروپا
- استرالیا
- افغانستان
- اقیانوس هند
- امریکای لاتین
- انتخابات
- ایران و آمریکا
- ایران و اروپا
- ایران
- ایران و امریکای لاتین
- ایران و اعراب
- ایران - بریتانیا
- ایران-اسرائیل
- ایران-عراق
- برنامه هسته‌ای جمهوری اسلامی
- تازه‌های نشر
- ترکیه
- تکنولوژی
- تیتیر روزنامه های صبح ایران
- تیتیر یک
- جهان
- حوزه خلیج فارس
- خاورمیانه
- خبرهای نيمروزی
- دانشجویان
- زنان
- سینما
- شبه قاره هند
- عراق
- عکاسی
- موسیقی
- نفت و انرژی
- ورزش
- پاکستان
- چکیده سرمقاله های مطبوعات
- کارگری

■ گزارش تصویری

آرشیو ماهانه

- August 2009
- July 2009
- June 2009
- May 2009
- April 2009
- March 2009
- February 2009
- January 2009
- December 2008
- November 2008
- October 2008
- September 2008
- August 2008
- July 2008
- June 2008
- May 2008
- April 2008
- March 2008
- February 2008
- January 2008
- December 2007
- November 2007
- October 2007
- September 2007
- August 2007
- July 2007
- June 2007
- May 2007
- April 2007
- March 2007
- February 2007
- January 2007
- December 2006
- November 2006
- October 2006
- September 2006
- August 2006
- November 2002

نظرهای خوانندگان

هر روز که میگذرد، با افشاکاری‌های متعدّد، جنایات این نظام آشکارتر میشود و ما يك قدم به سمت سقوط نظام نزدیکتر میشویم.

-- پیمان ، Aug 28, 2009

بیا که منتظرانیم بیا که چشم به راهیم بیا که غرق گناهیم ... دریغ لاله نروبیید و یار نیامد خدا به آن دیار نیامد!"حبیب نی چی"

-- بدون نام ، Aug 28, 2009

متن نامه خمینی و دستور قتل عام زندانیان سیاسی در تابستان ۶۷:

" بسم الله الرحمن الرحيم

از آنجا که منافقین خائن به هیچ وجه به اسلام معتقد نبوده و هر چه می‌گویند از روی حيله و نفاق آنهاست و به اقرار سران آنها از اسلام ارتداد پیدا کرده‌اند، و با توجه به محاربه‌بودن آنها و جنگهای کلاسیک آنها در شمال و غرب و جنوب کشور با همکاری‌های حزب بعث عراق و نیز جاسوسی آنان برای صدام علیه ملت مسلمان ما، و با توجه به ارتباط آنان با استکبار جهانی و ضربات ناجوانمردانه آنان از ابتدای تشکیل نظام جمهوری اسلامی تاکنون، کسانی که در زندانهای سراسر کشور بر سر موضوع نفاق خود پافشاری کرده و می‌کنند محارب و محکوم به اعدام می‌باشند و تشخیص موضوع نیز در تهران با رای اکثریت آقایان حجه‌الاسلام نیری دامت افاضاته (قاضی شرع) و جناب آقای اشراقی (دادستان تهران) و نماینده‌ای از وزارت اطلاعات می‌باشد، اگر چه احتیاط در اجماع است، و همین طور در زندانهای مراکز استان کشور رای اکثریت آقایان قاضی شرع، دادستان انقلاب و یا دیار و نماینده وزارت اطلاعات لازم‌الاتباع می‌باشد، رحم بر محاربین ساده‌اندیشی است، قاطعیت اسلام در برابر دشمنان خدا از اصول تردیناپذیر نظام اسلامی است، امیدوارم با خشم و کینه انقلابی خود نسبت به دشمنان اسلام رضایت خداوند متعال را جلب نمایند، آقایانی که تشخیص موضوع به عهده آنان است و سوسه و شك و تردید نکنند و سعی کنند [اثناء علی الکفار] باشند. تردید در مسائل قضائی اسلام انقلابی نادیده گرفتن خون پاک و مطهر شهدا می‌باشد. والسلام.

روح‌الله الموسوی الهمینی "

در پشت نامه بالا احمد پسر خمینی نوشته است :

" پدر بزرگوار حضرت امام منظم‌العالی

پس از عرض سلام، آیت الله موسوی‌اردبیلی در مورد حکم اخیر حضرت‌تعالی درباره منافقین ابهاماتی داشته‌اند که تلفنی در سه سوال مطرح کردند:

۱- آیا این حکم مربوط به آنهاست که در زندانها بوده اند و محاکمه شده اند و محکوم به اعدام گشته اند ولی تغییر موضع نداده‌اند و هنوز هم حکم در مورد آنها اجرا نشده است، یا آنهایی که حتی محاکمه هم نشده‌اند محکوم به اعدامند؟

۲- آیا منافقین که محکوم به زندان محدود شده اند و مقداری از زندانشان را هم کشیده اند ولی بر سر موضوع نفاق می‌باشند محکوم به اعدام می‌باشند؟

۳- در مورد رسیدگی به وضع منافقین آیا پرونده‌های منافقینی که در شهرستانهایی که خود استقلال قضائی دارند و تابع مرکز استان نیستند باید به مرکز استان ارسال گردد یا خود می‌توانند مستقلا عمل کنند؟

فرزند شما، احمد "

زیر این نامه خمینی نوشته است:

" بسمه تعالی

در تمام موارد فوق هر کس در هر مرحله اگر بر سر نفاق باشد حکمش اعدام است، سریعاً دشمنان اسلام را نابود کنید، در مورد رسیدگی به وضع پرونده‌ها در هر صورت که حکم سریعتر انجام گردد همان مورد نظر است.

روح‌الله الموسوی "

آیت الله منتظری که از این مکاتبات با خیر میشود برای موسوی اردبیلی ، که در آن زمان رئیس شعبه عالی قضایی بود پیغام میدهد که :

" مگر قاضی های شما اینها را به ۵ یا ۱۰ سال زندان محکوم نکرده اند، مگر شما مسول نبوده اید، آن وقت تلفنی به احمد آقا میگویید که اینها را مثلا در کاشان اعدام کنند یا در اصفهان... شما خودت میرفتی با آنها صحبت میکردی که کسی که مثلا مدتی در زندان است و به ۵ سال زندان محکوم شده و روحش هم از فعالیت‌های منافقین خیر دار نبوده چطور ما او را اعدام کنیم. "

آیت الله منتظری در آن زمان در نامه معروف خود به خمینی می نویسد :

" آیا میدانید که جنایاتی در زندانهای جمهوری اسلامی بنام اسلام در حال وقوعند که شبیه آن در رژیم منحوس شاه هرگز دیده نشد؟ آیا میدانید که تعداد زیادی از زندانیها تحت شکنجه توسط بازجویانشان کشته شده اند؟ آیا میدانید که در زندان (شهر) مشهد حدود ۲۵ دختر بخاطر آنچه بر آنها رفته بود ... مجبور به درآوردن تخمدان یا رحم شدند؟ آیا می دانید که در برخی زندانهای جمهوری اسلامی دختران جوان به زور مورد تجاوز قرار میگیرند ... "

شکنجه ها و رفتارهای وحشیانه ای که بر زندانیان به ویژه بر دختران باکره در آن مقطع اعمال شده است بنا بر گفته بازمانده گان آن دوره غیر قابل انکار است.

متن نامه حاکم شرع دادگاه انقلاب اسلامی خوزستان حجه الاسلام احمدی به خمینی در مورد چگونگی اجرای حکم درباره منافقین، مورخه ۲۳/۵/۱۳۶۷

"بسمه تعالی

حضرت آیت الله العظمی امام خمینی دامت برکاته

با عرض سلام، در رابطه با حکم اخیر حضرت تعالی راجع به منافقین گرچه اینجانب کوچکتر از آنم که در این باره صحبتی بکنم ولی از جهت کسب رهنمود و من باب وظیفه شرعی و مسئولیت خطیری که در تشخیص موضوع به عهده می باشد معروض می دارد که بر سر نفاق بودن یا پافشاری بر موضع منافقین، تفسیرها و تحلیلهای گوناگونی می شود و نظرها و سلیقه ها بین افراط و تفریط قرار دارد که به تفصیل خدمت حاج احمد آقا عرض کردم و از تکرار آن خودداری می شود. من باب مثال در ذفول تعدادی از زندانیان به نامهای طاهر رنجبر - مصطفی بهزادی - احمد اسخ و محمدرضا اشوع با اینکه منافقین را محکوم می کردند و حاضر به هر نوع مصاحبه و افشاکاری در رادیو و تلویزیون و ویدئو و یا اعلام موضع در جمع زندانیان بودند، نماینده اطلاعات از آنها سؤال کرد شما که جمهوری اسلامی را بر حق و منافقین را بر باطل می دانید حاضرید همین الان به نفع جمهوری اسلامی در جبهه و جنگ و گلوگاهها و غیره شرکت کنید، بعضی اظهار تردید و بعضی نفی کردند، نماینده اطلاعات گفت اینها سر موضع هستند چون حاضر نیستند که در راه نظام حق بجنگند. به ایشان گفتم پس اکثریت مردم ایران که حاضر نیستند به جبهه بروند منافقند؟ جواب داد حساب اینها با مردم عادی فرق می کند و در هر صورت با رای اکثریت نامیردگان محکوم شدند فقط فرد اخیر در مسیر اجرای حکم فرار کرد. لذا خواهشمند است در صورت مصلحت ملاک و معیاری برای این امر مشخص فرمایید تا مسئولین اجرا دچار اشتباه و افراط و تفریط نشوند.

حاکم شرع دادگاه انقلاب اسلامی خوزستان - محمد حسین احمدی

رونوشت : حضرت آیت الله العظمی آقای منتظری منظره "

آیت الله منتظری نامه ای دیگر به خمینی مینویسد و در آن گفته های حاکم شرع یکی از استانهای کشور را نقل می کند :

" سه روز قبل قاضی شرع یکی از استانهای کشور که مرد مورد اعتمادی میباشد با ناراحتی از نحوه اجرای فرمان حضرت عالی به قم آمده بود. میگفت مسئول اطلاعات یا دادستان (تردید از من است) از یکی از زندانیان برای تشخیص این که سر موضع است یا نه پرسید، تو حاضری سازمان منافقین را محکوم کنی؟ ، گفت آری، پرسید حاضری مصاحبه کنی؟ ، گفت آری، پرسید حاضری برای جنگ عراق به جبهه بروی؟ ، گفت آری، پرسید حاضری روی مین بروی؟ ، گفت مگر همه مردان حاضرند روی مین بروند، وانگهی از من تازه مسلمان نباید این همه انتظار داشت. گفت معلوم میشود تو هنوز سر موضعی، و با او معامله سر موضع انجام داد، و این قاضی شرع میگفت من هر چه اسرار کردم تصمیمات به اتفاق آرا باشد و اکثریت پذیرفته نشد، و نقش اساسی را همه جا مسئول اطلاعات دارد و دیگران عملا تحت تاثیر میباشند. ... "

آیت الله منتظری با نیری - قاضی شرع اوین ، اشرافی - دادستان و پور محمدی نماینده وزارت اطلاعات صحبت میکند و به آنها میگوید:

" گفتن الان محرم است حداقل در محرم از اعدامها دست نگه دارید. آقای نیری گفت ما تا الان ۷۵۰ نفر را در تهران اعدام کرده ایم ، ۲۰۰ نفر را هم به عنوان سر موضع از بقیه جدا کرده ایم کلک اینها را هم بکنیم بعد هر چه بفرمائید. "

احمد منتظری پسر آیت الله منتظری در آذر ماه سال ۸۴ در پی انتشار بیانیته سازمان دیده بان حقوق بشر در مورد نقش مصطفی پورمحمدی در اعدامهای سال ۶۷ در گفتگو با بخش فارسی رادیو B.B.C ، درستی این مکاتبات را تأیید کرد.

نقش وزیر کشور و وزیر اطلاعات در نقض گسترده حقوق بشر (بیانیه سازمان دیده بان حقوق بشر) :

<http://hrw.org/persian/docs/2005/12/15/iran12247.htm>

آیت الله منتظری در کتاب خاطرات خود تعداد اعدامهای گروهی را بین ۲۸۰۰ تا ۳۸۰۰ نفر دانسته، اما مخالفان جمهوری اسلامی رقمی بسیار بیش از این بیان می کنند. تاکنون ۴۴۷۸ نفر از اسامی قربانیان جمع آوری شده اند که در لیست زیر در سایت عصر نو آمده است :

<http://asre-nou.net/1383/khordad/29/ko/m-asami-gatlha.html>

خانم مینا انتظاری که در اردیبهشت ماه سال ۱۳۶۷ از زندان بیرون آمد، میگوید :

"زمینه اعدامهای گسترده از منتها قبل چیده شده بود. او می گوید لاجوردی بارها به بند ما آمد و گفت ما اگر حس کنیم که ۲ ساعت دیگر نظام ما در حال فروپاشی است، ۱ ساعت قبل از آن همه شما را از بین میبریم. ما نمیگذاریم که زندانی سیاسی بماند و برود بیرون قهرمان بشود. ... "

... در پاييز سال ۶۴ همه ما را جمع کردند و از ما سوالاتي کردند. از قبيل جرم شما چيست؟ ، نظر شما در مورد سازمانتان چيست؟، نظرتان نسبت به نظام چيست؟، اگر آزادتان کنيم جبيهه ميرويد؟، روي مين ميرويد؟ و تمام زندانيان را دسته بندي کردند. همانجا فهميديم که رژيم يك برنامه اي دارد. چون در اواخر ۶۴ و اوایل ۶۵ همه ما را منتقل کردند به زندان اوين... "

دکتر رضا غفاری از زندانيان جان به در برده دهه ۶۰ و نویسنده کتاب (خطرات يك زنداني از زندانهای جمهوری اسلامی) در اين مورد می گوید :

" ... قتل عام مسئله ای نبود که رژيم بدون حساب و کتاب وارد اين کار شود. قبل از اين مرحله، قطعنامه سازمان ملل در قطع جنگ توسط خميني بايد قبول می شد ، رژيم با تماميت خود يك برنامه کامل برای اعدام زندانيان در دستور کار خود گذاشته بود و از ۶ ماه قبل اين برنامه را به اجرا گذاشته بود و از يك زندان به زندانهای ديگر ميرفتند و میگفتند خميني کميته عفو تشكيل داده و اين کميته از ما سوالهایی ميکردند و به بند خود ما در گوهر دشت آمدند، من در بند ۱ سلول ۸ بودم و ۳-۴ ماه قبل از اين اعدامها سوالهای مختلفی از ما ميکردند و میگفتند کميته عفو خميني ميخواهد تصميم بگيرد که ديگر زنداني سياسي در زندانها نباشد.... او می گوید کسانی که در اين اعدامها شرکت داشتند در قرنطينه کامل بودند و تا ۳ ماه از محدوده قتل گاهها خارج نشده بودند... "

"... مامور اعدام به حاج نيري گفت ۱۰ دقيقه کافي نيست، وقتی بعد از ۱۰ دقيقه آنها را پايين می آوريم بعضی هنوز جان دارند، لطفا وقت بيشتري برای اين کار بگذاريد، نيري ميگويد، وقت اضافی نداريم، همان ۱۰ دقيقه کافي است و مامور اعدام ميپرسد چرا تيربارانشان نميکنيد اين که خيلي سريعتر است ؛ نيري ميگويد، اين جا امکاناتمان زياد نيست، وقتی نعلش کتفا در خيابانها به حرکت در ميايند، خون آنها راه می افتد ، می خواهيد همه عالم بفهمند ما اينجا چه می کنيم. "

آقای اصلائی از زندانيان جان بدر برده می گوید:

" بسياری از دوستان ما تا زمانی که طناب دار به گردنشان افتاد حتی نمی دانستند چه اتفاقی دارد ميافتد. گفتنی است بعضی از زندانيان کشته شده در قتل عام تابستان ۶۷ زندان آنها تمام شده بود و طبق قوانين خود رژيم بايد آزاد ميشدند و تعدادی نیز به خاطر نسبت فامیلی به قتل می رسيدند... اسامی بعضی از زندانيان که بخاطر نسبت فامیلی به قتل رسيدند :

... اشرف احمدی - شهرام عطاری - منيره رجوی - محمود تحصیلی - خواهر محمود تحصیلی - حسين تحصیلی - مريم محمدی - رضا محمدی - بهمن عبادی - عباسعلی منش رودسری ... "

" ... رياست هيئت مرگ را حجه الاسلام نيري بر عهده داشت. آقای اشراقی به عنوان دادستان انقلاب و آقای پورمحمدی به عنوان نماينده وزارت اطلاعات بود. کلیدی ترين سوال آقای نيري نزد نيروهايی که اتهام چپ داشتند اين بود که مسلمانی يا مارکسيست!] " در جمهوری اسلامی کومونيستها هم در بيان عقايد خود آزاد خواهند بود " / مصالحه خميني با سازمان عفو بين الملل، نوفل لوشاتو، ۱۰ نوامير ۱۹۷۸] سرنوشت همه کسانی که پاسخ آنها مارکسيست بود از قبل تعيين شده بود، آقای نيري با دست می فرمودند بپرئيش سمت چپ - چپ در واقع مرگ با دارهای از پيش آماده شده بود که در آمفی تئاتر يا حسينييه گوهر دشت تعيين کرده بودند و بسياری از زندانيان دوگانه برخورد ميکردند و وقتی ميررسيدند مسلمانی يا مارکسيست، از نيري ميررسيدند حاج آقا برای چي اين سوال را مطرح ميکنيد ؛ به يك تعدادی گفته بودند ميخواهيم بندتان را جدا کنيم ، ميخواهيم بند مسلمانها را از غير مسلمانها جدا کنيم و با اين دروغ تعداد زيادی از زندانيان را به طرف آن حسينييه ها و چوبهای دار بردند... گفتنی است از چند هفته قبل از اعدامها ملاقاتها قطع شده بود و بی خبری از عزيزان و بروز شایعات خانوادهای زندانيان را نگران کرده بود."

بانو صابری می گوید :

" در زندان شایعاتی شده بود يك سری میگفتند در زندان درگیری شده و زندانيان با پاسدارها درگیر شده اند و زدوخورد بين آنها شده و تعدادی زندانی کشته شده و عده ای ديگر میگفتند که به داخل سلول زندانيان گاز فرستاده اند و آنها را خفه کرده اند و پس از چند ماه شایعات بسيار، خانوادها بسيار نگران شده بودند و میگفتند اگر بچه های ما را کشتيد، حداقل جواب بدهيد و ما خيلي راحت با اين مسئله برخورد نکرديم و طوماری جمع کرديم و مقابل بازرسی کل کشور بس نشستم و خواهان اين شديم که یکی از مسئولان با ما ديدار کند و صحبتی در مورد زندانيان ما بکنند ، اما متأسفانه هيچ گونه خبری به ما ندادند... "

بانو صابری در مورد مطلع شدن از مرگ شوهران و فرزندان شان می گوید :

"مادران و خانواده های زندانيان روزی به خاطر فرزندان خود به خاوران ميروند که متوجه بوی بد تعفن و عفونت و صحنه هایی از قبيل بيرون ماندن پتوهايی از زير خاک و بيرون ماندن دستهايی از زير خاک ميشوند که خاک را کنار ميزند و جسد های زيادی را که با لباس دفن شده اند را ميپيچند."

آنچنان که می دانيم قتل عام تابستان ۶۷ پس از قتل عام سال ۶۰ دومين قتل عام زندانيان سياسي توسط حکومت اسلامی محسوب می شود ، قتل عام سال ۶۰ را در لينک زير بخوانيد :

<http://www.kare-online.org/didgah/didgah-1/sa37-a.htm>

مطابق آنچه که گفته شد و مطابق نظر آيت الله منتظری بسياری از زندانيان سياسي ، دستگير شنگان سالیان قبل از اعدام بوده اند و حتی بسياری بايستی آزاد می شدند و اتهام محاربه به آنان صحيح نبوده است و مطابق گفته آقای اصلائی تعدادی بخاطر نسبت فامیلی به قتل رسیده اند ، در ضمن ، ضمن محکوم کردن کشتار زندانيان سياسي در سال ۶۷ خواستار به رسميت شناخته شدن اين فاجعه از طرف مجامع حقوق بشری به عنوان اقدام بر ضد بشریت می باشم .

کتاب خاطرات آقای منتظری را از این جا دریافت نمایید . فرمت فایل Exe حجم MB 16

اعلامیه‌ی دوم جمعی از خانواده‌های جانباختگان دهه‌ی شصت

یاد جانباختگان کشتار های سی ساله‌ی حاکمیت‌اسلامی را در خاوران گرامی بداریم

سی و یک سال از مصادره‌ی انقلاب می‌گذرد. نظم اسلامی حاکم در تمامی این سی و یک سال بدون وقفه به سرکوب، زندان، شکنجه و اعدام مخالفین مشغول بوده و هست. دستگاه سرکوب. ضد انقلابی. حاکمیت بدون تاثیر پذیری از اختلافات «خانوادگی» جناح‌های حاکم که گاه بسیار هم پرسروصدا شده، در مسیر ضد انقلابی و ضد مردمی راه خود را رفته و ابزاری فرانحلی در جهت حفظ نظام و سرکوب مخالفین بوده است. اما در روند این سی و یک سال دو نوبت در کشتار و شکنجه‌ی مخالفین روی اسلاف خود را سفید کرد. یکی در دهه‌ی 60 که با بهانه‌ی جنگ توانست در یورش‌های ده ساله، و نقطه‌ی اوج آن سال 67، مخالفین را قتل عام و قمع کند و یکی در دو ماه اخیر: زمانی که مردم به خاطر عمیق شدن شکاف جناح‌ها، پس از سی سال توانستند فریادهای فروخورده‌ی خود را به خیابان‌ها و پشت‌بام‌ها ببرند و خواستار بازپس‌گیری انقلابشان شوند.

سی سال پس از حاکمیت اسلامی به رغم تعمیق شکاف‌های جناحی، دستگاه سرکوب باز هم همان کاری را با مخالفین می‌کند که سی‌سال پیش با آن‌ها کرد: سرکوب، زندان، شکنجه، تجاوز جنسی، اعدام، مضحکه‌های اعتراف‌گیری و پرونده سازی... اما این بار به واسطه‌ی اینکه هدف حاکمیت بیشتر ارباب مخالفین بود، در وحشیگری و شکنجه‌های قرون وسطایی گوی سبقت از تمامی اسلاف فاشیستش ربود.

اگر خبر کشتار های دهه‌ی شصت و به ویژه کشتار جمعی زندانیان در سال 67 کمتر به گوش جهانیان رسید و بسیاری از سازمان‌های «مدافع حقوق بشر» و دولت‌های «مدافع دموکراسی» خفقان گرفته بودند، این بار به واسطه‌ی فریادهای رسای مردم، خبررسانی مردمی، فشار افکار عمومی و نیروهای مترقی در اقصا نقاط جهان، هیچ قدرتی قادر نیست فریاد مردم را نادیده بگیرد، حتی عناصری از خود. حاکمیت اسلامی. اما جدا از اینکه چه کسانی از این فریادها حمایت می‌کنند، ماهیت این فریادها با فریادهای بریده شده‌ی دهه‌ی شصت تفاوتی ندارد: هم‌ی آنان خواستار آزادی و عدالتند. اما به رغم تمامی این فریادها و فشار افکار عمومی، ماشین سرکوب نظام اسلامی همان کاری را با مردم معترض می‌کند که دهه‌ی شصت با مخالفین کرد. بنابراین نظام اسلامی و ماشین سرکوبش در مقابل تمامی ما ایستاده است، ما همه از یک خانواده‌ایم. دردها و آرزوهایمان مشترک است و همه فریادی مشترک برآورده‌ایم.

ما خانواده‌های کشته‌شدگان دهه‌ی شصت در طی این سال‌ها تحت سخت‌ترین شرایط بوده‌ایم و می‌دانیم اگر این روال ادامه یابد آنچه که به ما رفته است به خانواده‌های کشتار های اخیر نیز خواهد رفت.

عزیزانمان را ربودند، شکنجه دادند و اعدام کردند. نه از زمان محاکمه‌ی آن‌ها اطلاع داشتیم و نه کسانی که آن‌ها را محاکمه کردند دیدیم و نه جرم آن‌ها را فهمیدیم. بعد از اعدامشان نه وصیت‌نامه‌ی از آن‌ها دریافت کردیم و نه جنازه اشان راه، و نه محل دفن‌شان را می‌دانستیم. پس از مدت‌ها جستجو گفتند که عزیزانمان را در گورهای فردی و یا دسته‌جمعی در خاوران و یا قبرستان‌های مشابه در شهرستان‌ها، دفن کرده‌اند. امروز مخالفین توی تظاهرات با باتوم و گلوله کشته می‌شوند و یا در زندان‌های رسمی و غیررسمی با وحشیانه‌ترین شکنجه‌ها و تجاوز جنسی روبرو هستند و اگر شانس بیابوریم شاید بتوانیم جنازه‌های آنان را تحویل بگیریم.

در طی این مدت

ما خانواده‌ها را نیز همانند عزیزانمان مورد انبیت و آزار قرار دادند. ما را از ادامه تحصیل محروم کردند. از کار اخراجمان کردند و راه هرگونه ترقی و پیشرفت را بر ما بستند. خانواده‌هایمان پاشیده شد و در این میان کسانی سکنه کردند و یا دیوانه شدند. عده‌زادی مجبور به مهاجرت از مملکت خود شده و در غربت دچار افسردگی، فقر و بیماری شدند. به بازماندگان کشتارهای اخیر نیز اجازه نمی‌دهند بر مرگ عزیزانشان گریه کنند و یا در باره‌اشان حرف بزنند. آنان را تهدید می‌کنند و راه گورستان را بر آن‌ها می‌بندند. همان کاری را با آن‌ها می‌کنند که با بازماندگان کشتار های دهه‌ی شصت کردند.

حتی راه گورهایی که خود به ما آدرس داده بودند را بستند. زمانی درب خاوران را بستند. زمانی دیگر بدون بهانه قبرها را زیرو رو کردند و به جای گورها نهال کاشتند. اجازه ندادند حتی در خانه‌هایمان مراسم بگیریم. ما و فرزندانمان را تهدید دستگیر کردند. به مراسمی که در خانه‌های شخصی خود برگزار کرده بودیم حمله کردند و خانواده‌ها را تحت فشار گذاشتند که حتی در خانه‌ها هم مراسم برگزار نکنند. و مگر امروز با مردم معترض غیر از این می‌کنند؟

بنابراین ما عده‌ای از خانواده‌های جانباختگان دهه‌ی شصت از مردم آزاده و آزادی طلب ایران

دعوت می‌کنیم برای همدلی و همدردی با بازماندگان کشتارهای دهه‌ی شصت و بازماندگان کشتارهای وقایع اخیر روز ششم شهریور ساعت 9 صبح در سالگرد بیست و یکمین سال کشتار جمعی زندانیان، در خاوران گردهم آیند. گردهمایی ما برای طرح خواست‌های زیر است:

1. پی‌گرد و محاکمه‌ی مسببین کشتارهای دهه‌ی شصت، به ویژه اعدام‌های دسته‌جمعی سال 67 و سرکوب، کشتار، شکنجه و تجاوزات حوادث اخیر
2. اعلام اسامی دفن شدگان دهه‌ی شصت در گورستان خاوران و اعلام اسامی کشته‌شدگان و زندانیان وقایع اخیر
3. آزادی بدون قید و شرط تمامی زندانیان سیاسی و عقیدتی
4. لغای اعدام برای هر جرمی و شکنجه تحت هر عنوانی
5. دریافت کیفرخواست محکومین سیاسی و اعدام شدگان در طی این سی سال و افشای علت اعدام آنان
6. دریافت وصیت‌نامه‌های اعدام شدگان
7. به رسمیت شناختن محل دفن اعدام شدگان سی‌سال حاکمیت اسلامی در تهران و شهرستان‌ها و تحویل بدون قید و شرط کشته شدگان حوادث اخیر به خانواده‌ها و اجازه‌ی برگزاری مراسم در منازل و یا سر خاک این کشته شدگان
8. اجازه‌ی گذاشتن سنگ بر قبر کشته شدگان
9. پی‌گرد و محاکمه‌ی آمرین و عاملین و کسانی که اقدام به تخریب خاوران و گورستان‌های مشابه در سایر نقاط ایران کرده و به آزار خانواده‌ها در طی این سال‌ها پرداخته‌اند،
10. بازگرداندن حقوق شهروندی خانواده‌ها و متوقف کردن هرگونه محدودیت و محرومیت اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی در مورد آنان... و
11. پذیرش و حفظ گورستان خاوران و گورستان‌ها و یا قبرهای مشابه در سایر نقاط کشور به عنوان سندی تاریخی از جانب نهادهای محلی و بین‌المللی

26 مرداد

مهدي كروبي يكي از مستندات خود مبنی بر آزار جنسی بازداشت شدگان كه پريزك را منتشر كرد
 سحام نيوز : مهدي كروبي در پاسخ به تمام کسانی که اظهار داشتند وی مستنداتی مبنی بر اظهارات خود درباره آزار جنسی زندانیان كه پريزك ندارد متن اظهارات يكي از این بازداشت شدگان را در اختیار سایت سحام نيوز قرار داد و اعلام كرد كه این مطلب تنها گوشه ای از مستنداتی است كه منتشر می كند و چنانچه این ر وندادامه یابد مطالب دیگری را منتشر خواهد كرد .

متن كامل اظهارات این فرد به شرح زیر است :

حاج آقای كروبی پس از اظهارات من روزهای فراوانی را با من نشست و برخاست و تجربه زندگی در کنار ایشان بود كه بعد از مدتی توانستم غرور له شده و شخصیت تكیده خود را بازیابم. ایشان ساعت های مدید با من سخن می گفت و مانند يك روانپزشك زمین و زمان را به هم می دوخت تا قانع كند كه من در این موضوع بی گناهم و داستان های دینی و تجربی فراوانی را برایم بازگو کرده و مثال های مختلفی را در این رابطه زدند و داستان مرا با آنان مقایسه كرد و من متوجه شدم بنا به سخنان ایشان اگر کسی كه با دست و پای بسته و بدون اینکه از خود قدرتی داشته باشد مورد تجاوز قرار گیرد نه تنها گناهی نكرده بلکه مظلوم نیز واقع شده است. روزها طول كشید تا كه حالم کمی بهتر شد و توانستم خودی بازیابم و با این موضوع کنار بیابم و فكر خودكشی را از سر بیرون كنم و خودم را دوباره احیا كنم پس از چندی بالخیره روز چهارشنبه 2/5/88 به دستور آقای شاهرودی رئیس قوه قضائیه مرا نزد نماینده آقای دری (داستان كل کشور) فرستادند به نام آقای محمدی كه ایشان انسان بسیار محترمی بود و بعد از صحبت كردن با من و دیدن وضعیت تاسف بارم بسیار با ملاحظت با من صحبت كردند و يكسره با شرح های من اظهار تاسف می كردند و می گفتند وای بر ما و تمامی سوزالانشان در جهتی بود كه به شناسایی محل زندانی من و اشخاص ضارب من مربوط می شد به جاهایی هم رسیدیم و ایشان چند جا را حدس زدند. در آخر هم برایم دعا كردند و مرا به توكل به خدا تشویق كردند و مرا در آغوش گرفتند و بوسیدند كه من باز گریه ام گرفت و گفتند قوی باش مرد و فقط نكته ایی كه ایشان را ناراحت كرد باخبر بودن دوتن از دوستان آقای كروبی از داستان من بود. اما قضیه پنج شنبه 29/5/88 بسیار متفاوت بود ساعت حدود 2 بود كه سه نفر از طرف منبع دیگری از قوه قضائیه به دفتر آقای كروبی آمدند و پس از آن برگه بازجویی جلوبیم گذاشتند. نمی دانم من متهم بودم یا شاکی- قاضی مقدمی و 2 نفر دیگر مشغول بازجویی از من شدند ابتدا از من پرسیدند شما از چه کسی شاکی هستی من گفتم من شاکی نیستم فقط اتفاقی را كه برایم افتاده برای آقای كروبی بازگو كردم اما باز می گفتند كه از چه کسی شكایت داری و من ناگزیر گفتم شما به من بگویید از چه کسانی می توانم شكایت كنم تا من انتخاب كنم كه دیگر قاضی فهمید منظورم چیست و حرفی نزد. به من گفتند كه شرح ما وقع را بنویس من هم نوشتم بعد سوزالانشان

شروع شد که اکثر آنها در مورد این بود که من از کجا آقای کروبی را می شناسم؟ از کجا به ایشان اعتماد کردم؟ چگونه ارتباط برقرار کردم؟ چرا نفس نفس می زنم؟ چه طور اعتماد کردم تا به آقای کروبی بگویم؟ چرا حاضر شدم که آقای کروبی از من فیلم بگیرد؟ چرا اصلا فیلم گرفتیم؟ هدف آقای کروبی از آگاه کردن آقای گرامی مقدم و آقای دآوری چه بود؟ آقای گرامی مقدم و دآوری کیستند؟ چه ساعتی به حزب زنگ زد؟ با چه شماره ایی زنگ زد؟ به چه بهانه به حزب رفتم؟ آنجا چه گفتم؟ آنها چه گفتند؟ وقتی زنگ زدم چه کسی گوشی را برداشت؟ بعد به چه کسی وصل کرد؟ به آن شخص چه گفتم؟ با چه کسی رفتم؟ در کدام تظاهرات ها شرکت کردم؟ و هزار چرای دیگر بی ربط به قضیه ی تجاوز که بعد از حدود 3 ساعت که من به ایشان اعتراض کردم .

ایشان به من گفتند ما نمی دانیم تورا است می گویی یا نه تو ادعای سنگینی می کنی . کل نظام مقدس را زیر سوال بردی ما از کجا بدانیم که تورا تطمیع نکرده اند؟ وقتی که من گفتم که شما مثل اینکه یادتان رفته است مسئله چیست به ظاهر خواستند سنوالاتی در این خصوص کنند سنوالاتی از این دست که دخول تا کجا بوده و آیا آن شخص ارضا شده است یا نه؟ که این سوالات بیش از پیش باعث تخریب روح و روان من شد.

آن جور که من احساس می کنم دوستان آقای مرتضوی نظرشان این است که با تخریب شخصیت اینجانب موضوع را به سمتی سوق دهند که من از آقای کروبی پول گرفتم یا آقای کروبی تطمیع کرده تا این ادعا را بکنم.

بعد هم از من خواستند که با ایشان به پزشکی قانونی بروم و من علی رغم اینکه از ایشان خواستم باتوجه به مناسب نبودن حالم و داشتن سرگیجه بگذارند برای روز دیگر که ایشان مخالفت کردند و باهم راهی پزشکی قانونی شدیم.

بعد هم در راه پزشکی قانونی قاضی به من می گویند حدیث داریم از حضرت امام جعفر صادق که احمق و بدبخت کسی است که آخرتش را به دنیایش بفروشد بدبخت تر و مفلوک تر از او کسی است که آخرتش را به دنیای دیگران بفروشد. خودتان قضاوت کنید که منظور حاج آقای مقدمی از بیان این جمله چیست؟!

و بعد تلویحا به من می گوید که گول بازی های سیاسی را نخورم و بعد هم که گفتم قلب شده گفت: " وقتی آقای کرباسچی به آقای موسوی رای داده ببین قضیه از چه قرار است من حتی مطمئنم که خود آقای کروبی هم به آقای موسوی رای داده" و دیگر پی این داستان را به توصیه بزرگان با سکوت ادامه دادم و وقتی گفتم چرا با بچه ها اینکار را کردید و چرا اینجور کردید مگر ما چه کار کردیم؟ گفت وقتی رهبری فرمودند انتخابات درست بوده یعنی بوده که من گفتم نعوذ بالله که رهبری خدا نیستند و معصوم هم نیستند که بعد دیدم دارد به سفسطه می کشاند که باز سکوت پیشه کردم.

درمیان راه ایستادیم و دونفر دیگر آمدند تا شیفتشان را عوض کنند، من به قاضی مقدمی گفتم که اگر ممکن است دیگر اینها نفهمند و ایشان هم قول داد و گفت که نامه مهر و موم شده به دستم می دهد اما نه تنها نامه را به دست من نداد بلکه با آن مامور پچ پچ کرد و زمانی که من به پز شک قانونی رسیدم .

مامور نامه را باز کرد و به دست مامور پذیرش داد نمی دانم یک نامه معاینه تجاوز به چند کلمه نیاز دارد که قاضی محترم صفحه را ریز ریز کرده بود و دکتر قریب 5 دقیقه آن را می خواند بعد هم مامور همراه من ، به نزد دکتری که مرا معاینه کرد رفت و چند بار به قاضی زنگ زد و دایم از من دور می شد میاد که من بشنوم چه می گوید؟ در ضمن دکتری پزشکی قانونی به من گفت که من دو نامه می دهم تا شرح درممانت را پزشکانی که رفته ایی برای من بنویسند تا نظر دهم اما آن مامور این نامه ها را به من نداد و هرچه به او گفتم که من خودم دیدم که آن نامه ها را گرفته ایی هاشا کرد بعد هم زمانی که منتظر جواب بودیم مامور به من می گوید من فکر نمی کنم کسی اینکار را بکند بعد هم به من تهمت دروغگویی می زند و می گوید می دانی اگر نتوانی ثابت کنی چه بلایی سرت می آورد؟ بعد که دید خیلی محکم ایستاده ام و می گویم من فقط از خدا ترسم و روی حرفم ایستاده ام به من می گوید اگر اتفاقی هم افتاده نباید می گفتمی باید به خدا واگذار می کردی الان ببین ابروی خودت و خانواده ات را برده ایی بعد هم که از دکتر نقل قول کردم که می گوید بعد از 1.5 ماه هیچ چیز مشاهده نمی شود مامور به من می گوید اگر چیزی بود حتی سائزش رو هم بیهت می دادند و ادامه داد که ما کارمان این است که البته معلوم نیست معنای این جمله مجهول کدام کار است.

در راه برگشت وقتی گفتم امسال ماه رمضان بی آبییش سخت است با صدای بلند و چشم غره به من گفت: همینش خوب است که آدم ها بفهمند که جهنم چگونه است. امروز هم به نزد همسایه های ما آمده اند و یکسری سوالات راجع من و خانواده ام کرده اند این کارها چه مفهومی جز ارباب من از عمومی شدن قضیه را در ذهن تداعی می کند؟ من سوال کوچکی دارم از بزرگوارانی که روز 5 شنبه من را به مانند یک متهم مورد بازجویی قرار دادند من را گرفته اند؛ زندان بودم چشمان و دستهایم بسته بود ندانم به حد مرگ مرا زدند و بدتر از همه کاری با من کردند که نزد تمام بی دینان و بت پرستان مضموم است و من تنها جرات این را داشتم که آقای کروبی را از این موضوع مطلع کنم. من از شخص حقیقی شاکمی نیستم چرا که می دانم متأسفانه همیشه در کشورمان گناه به گردن یک شخص رده پایین یا یک گروه پایین رتبه می اندازند و هیچ وقت با مسببین اصلی برخوردی در خور انجام نمی شود

خبر خیلی مهم برای ایرانیان داخل ایران

اگر میخواهید دولت شما را پیدا نکند رد کامپیوتر خود را گم کنید. به این ترتیب میتوانی آزادانه با کامپیوتر خود خبرها را به خارج بفرستی و یا آنکه با همدیگر در تماس باشید بدون اینکه دولت بتواند رد شما را پیدا کند

هر کامپیوتر آدرسی دارد به اسم آی پی آدرس. از طریق این آی پی آدرس که یک سری شماره هستند دولت میتواند محل سکونت شما را پیدا کند

یک ایرانی که در کالیفرنیا زندگی میکند صاحب کمپانی آی پی آدرس میباشد. این آدرسها فروشی هستند ولی ایشان این آی پی آدرسها را برای ایرانیان داخل ایران به طور رایگان عرضه کرده. وقتی که این آی پی آدرس را به کامپیوتر خود نصب کنید کامپیوتر شما به نظر می آید که در آمریکا هست. بنابراین آنها نمیتوانند بفهمند که شما کجا هستید. دولت فکر میکند که شما در آمریکا هستید

ترقیه نصب این سافت ور

به این وب سایت بروید و به قسمت ایرانیان وارد شوید و دستور عملش را اجرا کنید. لطفا این نامه را برایه دیگران ارسال کنید

 /http://www.iprental.com

Free Accounts for Iranian Citizens

We are offering free IP Rental accounts to all Iranian citizens who want completely anonymous web browsing via untraceable USA IP addresses. To get your account email us at: iran@iprental.com

-- بدون نام ، Aug 28, 2009

یادشان گرامی باد.

-- بدون نام ، Aug 28, 2009

اینها رفتنی هستند و سلام نامه تمام

majhool • Aug 28, 2009 --

و قدر خمینی نامرد بوده! شما را بخدا اول این اعلامیه را بخوانید و تا ته ماجرا را بفهمید. او در اولین جمله ی نامردانه اش که یک کیلومتر است با انشا یی ابتدایی می نویسد:

بسم الله الرحمن الرحيم

از آنجا که منافقین خائن به هیچ وجه به اسلام معتقد نبوده و هر چه میگویند از روی حيله و نفاق آنهاست و به اقرار سران آنها از اسلام ارتداد پیدا کردهاند، و با توجه به محاربه بودن آنها و جنگهای کلاسیک آنها در شمال و غرب و جنوب کشور با همکاریهای حزب بعث عراق و نیز جاسوسی آنان برای صدام علیه ملت مسلمان ما، و با توجه به ارتباط آنان با استخبار جهانی و ضربات ناجوانمردانه آنان از ابتدای تشکیل نظام جمهوری اسلامی تاکنون، کسانی که در زندانهای سراسر کشور بر سر موضع نفاق خود پافشاری کرده و می کنند محارب و محکوم به اعدام می باشند و تشخیص موضوع نیز در تهران با رای اکثریت آقایان حجه الاسلام نیری دامت افاضاته (قاضی شرع) و جناب آقای اشراقی (دادستان تهران) و نماینده های از وزارت اطلاعات می باشد، اگر چه احتیاط در اجماع است، و همین طور در زندانهای مراکز استان کشور رای اکثریت آقایان قاضی شرع، دادستان انقلاب و یا دادیار و نماینده وزارت اطلاعات لازم الاتباع می باشد، رحم بر محاربین ساده اندیشی است، قاطعیت اسلام در برابر دشمنان خدا از اصول تردیدناپذیر نظام اسلامی است، امیدوارم با خشم و کینه انقلابی خود نسبت به دشمنان اسلام رضایت خداوند متعال را جلب نمائید، آقایانی که تشخیص موضوع به عهده آنان است و سوسه و شک و تردید نکنند و سعی کنند [اشداء علی الکفار] باشند.

و خواننده خودش قضاوت کند. و همچنین از اصلاح طلبین امروز بپرسد که شما همگیتان

انروزها در راس امور بوده اید و امروز باز هم امام امام امام می کنید! برای چه؟

چه بارانی، چه طوفانی شما را بیدار خواهد کرد!!!؟؟

-- بدون نام ، Aug 29, 2009

وقتی سازمان حقوق بشر بعد از این همه وقت هیچ غلطی نمی کنه،حالا ما دلمون خوش باشه به اسناد جمع کردن مثلاً در همین وقایع اخیر که همه ی شواهد و قراین به روز در اختیار همه ی

جهان بود چه کار کردند؟ به نظر من اینها فقط یک سری سازمان با اسامی قشنگ هستند برای اینکه دل مردم رو خوش کنن و وجدان خودشون رو گول بزنن.

-- مرغ سحر ، Aug 29, 2009

با سلام متن منتشر شده در مورد فتوای امام خمینی تماما کذب است. اصلا این نگارش شبیه نامه های خمینی نیست. من با اینکه از همشون بدم میاد اما معتقدم نباید دروغ گفت

-- امیر ، Aug 29, 2009

نظر بدهید

(نظر شما پس از تایید دبیر وبسایت منتشر می‌شود.)

لطفاً به زبان فارسی کامنت بگذارید.

برای نوشتن به زبان فارسی می‌توانید از ادیتور زمانه استفاده کنید.

-کامنتهایی که حاوی اتهام، توهین و یا حمله شخصی باشد هرز محسوب می‌شود و منتشر نخواهد شد.

نام:

آدرس ایمیل: (نشانی ایمیلتان نزد ما مخفی، منتشر نمی‌شود)

تغییر زبان

متن نظر:

بفرست

پیش‌نمایش بده

خانه | [PRESS NOW](#) | [Contact](#) | [About us](#) | درباره ما | [شیوه شنیدن](#) | تماس با ما

تمام حقوق مربوط به وبسایت و محتوای آن بر اساس پروانه‌ی کربتیو کامنز متعلق به رادیو زمانه است. حق ویرایش مقالات رسیده برای رادیو زمانه محفوظ است. نقل مطالب از زمانه با ذکر ماخذ آزاد است.

licensed under a Creative Commons Attribution 2.5 License
Radiozameh.com © 2006 / CONTACT(at)RADIOZAMEH.COM